

پیرانشهر

حسن سپهرفر

شهرستان پیرانشهر یکی از شهرستان‌های استان آذربایجان غربی در شمال غربی ایران است. مرکز این شهرستان، شهر پیرانشهر است. این شهرستان یکی از پنج شهرستان کاملاً کردنشین استان است. پیرانشهر با شهرستان‌های نقده و اشنویه در شمال، مهاباد در شرق و سردشت در جنوب و عراق در غرب همسایه است. فاصله این شهرستان تا مرز عراق کمتر از پنج کیلومتر است. این منطقه از میراث فرهنگی بسیار غنی برخوردار است که یک بخش آن پزشکی سنتی است. در این مقاله نگاهی به این میراث (پزشکی سنتی) می‌اندازیم.

جدول داروهای گیاهی به تفکیک مناطق بررسی‌شده

نام دارو	پیرانشهر	گردکشانی	کله‌سیبان	گولج	سوغانلو	قلعه‌تراش	کو پر	شهرستین
سیب‌زمینی				×	×	×	×	
مارواس	×					×		
شیره یاریشه‌هلس			×		×	×	×	×
تخم کدو		×						
برگ کلم‌و آب کلم		×						
خرما		×						
گردو		×						
انجیر		×						
شاه‌تره				×				
کشمش سیاه کوهی				×		×		
برگ استرلک						×		

×								پوست درخت گردو
						×		ریشه ختمی
×	×	×	×	×	×	×	×	یونجه
			×					پنگ (پونه)
		×						آب گیاه برگه نیوا
×								کاگل ذرت
×								هندوانه
×	×		×					آرد نخودچی
				×				گندم تفت داده
							×	گنه برنج
			×					شیر گیاه حلقه تیز
	×							شیر همیشه بهار کوهی
×								شیر ریشه کنگر
							×	سنامکی
							×	هربوزان
							×	روغن بادام تلخ
						×		روغن ریشه زنبق
						×		برگ نارنج
							×	بنفشه
						×		تخم کدو
			×					فندق
			×					غربانگ
×								گیاه باند
		×	×	×	×		×	میخک
				×				لیه
				×				جانر (کاکوتی)
								پوست تیرو
×								خرما یا کشمش
			×					دارچین

		×						دارچین و زنجبیل
				×				آب بیرو
×								روغن گویژ

پراکنندگی داروهای غیرگیاهی به تفکیک مناطق بررسی شده

نام دارو	پیرانشهر	گردکشانی	کله‌سیبان	کولیح	سوغانلو	قلعه تراش	کوپر	شهرستین
روغن تخم مرغ	×	×	×					×
خاکستر پوست سوخته شده رو باد		×						
یخ و برف		×						
ماست					×	×	×	
نفت سیاه					×	×		
خمیر دندان					×			
شیرژ								×
خون الاغ زنده سفیدرنگ		×						
ادرار ماده گاو یا شتر		×						
شیرخر	×							
آب چشمه کوخه رش					×	×		×
خاکستر استخوان سوخته شده گاو و...		×						
عسل								×
خاکستر پارچه نخی			×					
آب ولرم		×						
روغن با گوشت خرس	×							
دوغ کشک		×						
ماست							×	
شیر		×						
گوشت							×	

						×		کله پاچه
		×		×				نمک
				×				ادرار گوساله نر
			×					شب زاج
		×						عطر
	×		×	×				روغن حیوانی
	×	×	×	×	×			دود سیگار
					×			کاغذ قند عراقی با سیگار
							×	روغن زرده تخم مرغ
					×			له شده حشره آلی پلینگ
							×	روغن مار

بیماری های روحی

برای درمان این نوع بیماری ها که در حوزه پژوهش به شت (šit) معروف اند به شیوه های زیر عمل می شد.

- در دو روستاهای سوغانلو و قلعه تراش تکه ای فلز مس را در آتش گرم کرده پس داخل کاسه محتوی آبی که در بالای سر بیمار قرار داشت می انداختند. در اثر حرارت مس شکل هر چیزی که در آب نقش می بست علت بیماری را به همان نسبت می دادند و بدین ترتیب دعای مربوط به آن را می نوشتند. در گردکشانه جگر یا قلوه کباب شده گرگ تجویز می شد.

- اما آنچه بیش از همه در میان مردم مناطق حوزه پژوهش مشهود بود مراجعه به سیدی در روستای باوله (bâvele) است. طبق اطلاعات اخذ شده وی سوالات مختلفی از بیمار کرده و بدین ترتیب با تشخیص بیماری وی دعای مربوط را نوشته به خود بیمار یا اطرافیان وی تحویل می دهد. تنها توصیه وی این است که دعا را سوزانده و بیمار را در معرض دود حاصل از آن قرار دهند. در مواقعی همین عمل را خود سید بعد از نوشتن دعا انجام می دهد. در هر حال گویند بیمار بهبود پیدا می کند.

بیماری های جسمی

سوختگی برای درمان سوختگی سوتان (sutân) اعضای بدن در مناطق حوزه پژوهش شیوه های درمانی زیر به کار برده می شود.

- در شهر بیرانشهر و روستاهای کله سییان، شهر ستین و گردکشانه روغن به دست آمده از زرده تخم مرغ را روی عضو سوخته شده می مالیدند. همچنین در شهر بیرانشهر مقداری پوست انار خشک شده را کوبیده و به شکل پودر درمی آورند، سپس آن را با شیر ترکیب کرده روی شعله اجاق قرار می دهند. داروی فوق

آنقدر می جوشد تا قوام آید سپس می توان آن را با استفاده از پر مرغ برداشته و روی سوختگی مالید. یا در روستا کله سیببانی مقداری از ریشه گیاهی به نام کما را با کمی شیر و دوده چسبیده به تیرهای چوبی سقف تنورخانه ترکیب و روی سوختگی می مالیدند.

قرار دادن مقداری یخ یا برف و مالیدن خاکستر پوست سوخته شده روباه از دیگر روش های درمانی سوختگی در روستای گردکشانه هاست.

- گذاشتن مقداری قاج یا پوره سیب زمینی خام یا مالیدن کمی ماست روی سوختگی در این مناطق از دیگر روش های درمانی و التیام سوختگی است.

- مالیدن نفت سیاه یا خمیر دندان یا استفاده از ترکیب خاکستر نی سوخته شده با زرده تخم مرغ از روش های درمان سوختگی در روستای سوغانلو است.

- در روستای قلعه تراش علاوه بر مالیدن مقداری نفت سیاه در صورت بهبودی نیافتن داروی ترکیبی زیر را به کار می بردند.

چند دانه پشگل گوسفند را با میوه درختی به نام گولان خوب ترکیب کرده و پس از برداشتن پوست محل سوختگی آن را روی موضع می مالیدند.

- در روستا کوپر مقداری خاکستر قامیش / نی را با گیاهی به نام پوری شوکه (puray šoka) ترکیب کرده و بر محل سوختگی می گذاشتند. همچنین مقداری حنا را با زرده تخم مرغ و برگ جاتره / کاکوتی ترکیب کرده و روی موضع سوختگی قرار می دادند.

- اما در روستای شهرستین حنا را با آب ترشی ترکیب و روی محل سوختگی قرار می دادند. همچنین در صورت بهبودی نیافتن یا به عنوان دارویی دیگر مقداری شیرژ (širez) می مالند. یا داروی ترکیبی به نام قلقله ماستی (qolqola mâsti) (ترکیب آرد و ماست) را تهیه کرده و بر محل سوخته شده می مالیدند.

گل مژه که در زبان کردی محلی باپوشکو (bâpuškav) نامیده می شود. به غیر از روستای گردکشانه در سایر نقاط بررسی شده به چشم دیگر سرمه می کشیدند تا چشم گل مژه دار حسودی کرده و دق کند. بدین ترتیب، گل مژه تر کیده و بیمار بهبود می یابد. اما در روستای گردکشانه مقداری خون که از الاغ زنده سفید پوست کشیده شده باشد روی گل مژه می ریزند.

بواسیر که بیواسیری (bivâsiri) نامیده می شود، در مناطق حوزه پژوهش به روش های زیر درمان می شده است.

- در اغلب نقاط بررسی شده بیمار را از خوردن غذاهای پرچرب، ترشی، شور و گوشت سرخ کرده پرهیز داده و بیشتر غذاهای آبکی مثل، سوپ، و حلیم، روغن، گوشت ماهی، و سیر در روستای کله سیببانی تجویز می شد.

- در روستای سوغانلو ملاح سر بیمار را داغ می زدند. یا معالجه گر پاشنه پای خود را داغ کرده و بر کمر بیمار می زد. اما در روستای قلعه تراش مقعد بیمار را با آهن حرارت داده شده داغ کرده یا نعل اسب را گرم کرده و کف پای بیمار قرار می دادند.

در روستای گردکشانه پزشک محلی توصیه می‌کرد محل را با ادرار ماده گاو و یا شتر شست‌وشو دهند. یا پیه گاو را با زاج سفید و هلیله‌زرد کوبیده و شیاف کنند.

کرم روده از جمله درمان‌های معمول در اغلب نقاط بررسی‌شده استفاده از ریشه یا برگ‌های گیاهی به نام هلس (hals) است. طوری که در روستای کله‌سیپان ریشه گیاه فوق را درآورده، پس از شست‌وشو به همان حال می‌خورند. یا در روستای سوغانلو ساقه همین گیاه را خام یا سرخ کرده میل می‌کنند. همچنین ریشه هلس را قطع و شیره تراوش‌شده آن را با همراه تکه‌ای نان استفاده می‌کردند. در روستای قلعه‌تراش برگ‌های هلس را خشک کرده، پس از سرخ کردن در روغن می‌خورند. یا در شهرستین برگ‌های آن را در آب جوشانده و آب حاصله را پس از صاف کردن و سرد شدن میل می‌کردند. در روستای کوپر ریشه این گیاه را در آب جوشانده بعد در مقابل نور آفتاب خشک می‌کردند. در صورت نیاز برای رفع کرم روده مجدداً آن را به همراه کمی روغن و نمک به حدی می‌جوشانند تا قوام آید سپس در صورت نیاز یک قاشق غذاخوری میل می‌کنند.

خوردن گیاهی به نام مارواس (mârevâs) در پیرانشهر و قلعه‌تراش از دیگر روش‌های درمانی کرم روده است. همچنین در قلعه‌تراش برگ‌های گردو را خشک کرده و با برنج ترکیب می‌کنند، سپس آن را پخته و می‌خورند. یا برگ‌های گیاهی به نام استرلک (esterelk) را خشک کرده و موقع نیاز به همان شکل می‌خورند.

- در روستای کولبج مقداری شاه‌تره کوهی را جوشانده، سپس آب حاصله را از صافی عبور داده، پس از سرد شدن میل می‌کنند. یا کشمش انگور سیاه را در صورت نیاز در آب جوشانده و آب حاصله را میل می‌کنند.

- اما در روستای گردکشانه خوردن یک کیلو تخم کدو به شکل خام و یک کیلو عسل، طی دو شب و دو روز از روش‌های درمانی کرم روده است. کلم، خرما، گردو، و انجیر نیز کشنده کرم هستند. یا مقداری شکر سفید را با آب گرم ترکیب کرده و به بیمار می‌خورانند. همچنین خوردن آب برگ کلم نیز برای دفع کرم روده کودکان نیز توصیه می‌شود. با این حال پرهیز از خوردن شیر، ماست، پنیر، تخم‌مرغ، پیاز و فلفل از جمله توصیه‌های پزشک سنتی روستای گردکشانه است.

خروسک برای درمان این بیماری که اصطلاحاً کوخه‌رش (koxa raša) نامیده می‌شود شیوه‌های درمانی زیر به کار برده می‌شد. سابقاً در شهر پیرانشهر خوردن شیر الاغ معمول بود. در حالی که در روستای گردکشانه مقداری از ریشه‌های گل‌ختمی را جوشانده پس از اینکه از صافی عبور دادند روزی سه استکان میل می‌کنند. همچنین بیمار باید از خوردن غذاهای پرچرب و شیرین، گوشت گاو، پنیر، تخم‌مرغ پرهیز کند.

اما اهالی روستاهای کله‌سیپان، سوغانلو و قلعه‌تراش برای درمان خروسک بیمار خود به چشمه کانی کوخه (kâni koxa) یا کوخ‌رش (koxa raša) در روستای بادین‌آباد رفته و مقداری از آب چشمه را به همراه خود می‌آورند، شخصی که حامل آب است از مبداء (چشمه بادین‌آباد) تا مقصد نباید پشت سر خود را نگاه کند، پس از رسیدن به مقصد مقداری از آب را می‌خورد. در روستای قلعه‌تراش علاوه بر خوردن

این آب انگور سیاه سردستی را، که کشمش کرده‌اند، در آب می‌جوشانند پس از سرد شدن آبش را می‌خورند. در روستای کوپر تکه‌ای از پوست کدو را سوراخ کرده و به همراه ماری که از قبل آن را خفه کرده‌اند بر گردن بیمار آویزان می‌گردند.

- در روستای شهرستین پوست درخت گردو را در آب جوشانده پس از اینکه آن را از صافی عبور دادند، به محض سرد شدن می‌خورند. در روستای کولیچ درمانی برای این بیماری پیدا نشد.

بند آوردن خونریزی‌های ناشی از بریدگی در همه مناطق حوزه پژوهش مقداری یونجه را جویده و به همان دو شکل روی محل بریده شده قرار می‌دهند. در روستای گردکشانه استخوان گاو یا لاک‌پشت را سوزانده و خاکسترش را روی بریدگی می‌ریختند. در کله‌سیپان در صورت نبودن یونجه مقداری از برگ‌های گیاه موک (memuk) را کوبیده و روی محل خونریزی قرار می‌دادند.

- در روستای سوغانلو نیز مقداری از برگ‌های پونه وحشی را جویده و روی محل خونریزی قرار می‌دادند. یا از ترکیب تعدادی گیاه محلی دارو و ضمادی به نام پُردرمانه (pordarmâne) تهیه کرده و روی محل بریده شده قرار می‌دادند. همچنین در روستای قلعه‌تراش برگ‌های گیاهی به نام بوگه نیوا (buge niva) را در آب جوشانده، پس از اینکه آبش را از صافی عبور دادند همین آب را روی بریدگی می‌ریختند. در روستای کوپر نی مшти از برگ‌های گیاهان رقه (raqa)، بوگ نیوا (buga niva) و مقدار رشکه (rakaša) یا همان کنجد را کوبیده و پودر کرده روی زخم گذاشته و با پارچه نخی بستند.

شاش‌بند در شهر پیراشهر و روستای کله‌سیپان فردی را که دچار انسداد مجاری ادرار، شاش‌بند، می‌شد داخل آبگرم می‌نشاندند. در روستای گردکشانه خوردن روغن و گوشت خرس تجویز می‌شد.

- در روستای کولیچ برای درمان شاش‌بند شپش را وارد سوراخ آلت فرد می‌کردند. در سوغانلو به فرد بیمار میوه‌های آبکی همانند هندوانه می‌دادند.

- در قلعه‌تراش آلت کودکان شاش‌بند شده را می‌مکیدند. در روستای کوپر مشتی از ساقه گیاه پسینجک کویل (pesinjke kevila) و کاکل گل پیغمبری / (گل گندم) را با هم ترکیب، پس از دم کردن در آب، چند استکان از آن می‌خورند. در روستای شهرستین هم جوشانده مشتی از کاکل دَرَت را می‌خورند.

اسهال را در شهر پیراشهر و روستای کله‌سیپان با خوردن دم‌کرده برنج (برنج نشسته) با ماست درمان می‌کردند.

در گردکشانه برای درمان اسهال یک و نیم لیوان برنج صدی را با دو استکان آب ترکیب کرده، پس از گذشت ساعاتی وقتی نرم شد آبش را می‌خورند. یا مقداری برنج گرده، رشته فرنگی، سیب‌زمینی زرد را به صورت کته پخته و به همراه ماست استفاده می‌کنند. این ترکیب غذایی نه‌تنها برای درمان اسهال مفید است، بلکه برای بند آوردن خونریزی دوران قاعدگی زنان هم به کار می‌رود همچنین در کوپر خوردن دوغ کشک یا ماست گوسفند و در شهرستین چای خشک و ماست از دیگر روش‌های درمان اسهال است.

- در روستا کولیچ به بیمار قاووت گندم برشته می‌دهند.

یبوست در روستای گردکشانه برای درمان یبوست مشتی از برگ‌های گیاهی به نام سنماکی (sanâmakî) را جوشانده و به بیمار می‌دهند. یا گیاهی به نام هرپوزان (herbuzân) را در هشت استکان آب ریخته و می‌جوشانند، آنقدر که سه استکان باقی بماند. بعد میل کنند.

- در کله‌سییان برای چنین اشخاصی خوردن روغن حیوانی به همراه قند داغ تجویز می‌شد. در کولیج خوردن شیر گاو یا میش معمول بود.

- در روستای سوغانلو برای درمان یبوست به دو شیوه عمل می‌شد: اول اینکه روده و شکم فرد را بدون اینکه غذایی خورده باشد با دست‌های آغشته به روغن ماساژ می‌دادند. دوم یک قطره یا کمتر، از شیر گیاهی به نام حلقه تیز (halqa tiz) را داروی قند چکانده و به بیمار می‌دادند. گفتنی است خوردن بیش از اندازه ذکرشده منجر به ایجاد اسهال‌های شدید می‌شود.

در قلعه‌تراش مقداری روغن را با کنجد ترکیب کرده و به پشت و شکم بیمار می‌مالیدند. در کوپر از شیر گیاه همیشه‌بهار به شیوه (حلقه تیز) استفاده می‌کردند. یا مقداری روغن کرچک را با عسل ترکیب می‌کردند و می‌خورند. در شهر ستین شیر ریشه کنگر را می‌خورند.

سردرد بادکش انداختن بر پیشانی در پیرانشهر و کله‌سییان از جمله روش‌های درمانی معمول در ایام گذشته بود. مضافاً در سایر نقاط بررسی‌شده حنای خیس شده در آب به پیشانی می‌بستند، یا همین حنا را مواد دیگری ترکیب کرده و به سر می‌بستند. برای این منظور حنا را با مشتی از برگ‌های جاتر (jâter) / کاکوتی و آب ترکیب کرده و روی سر می‌بستند. اما آنچه بیش از همه در نقاط بررسی‌شده حوزه پژوهش گفته شد معالجه سردرد به شیوه زیر بود.

- سرکوت (sarkut) عنوان سردردی است که سر فرد به سویی افتاده باشد. در این موقع ابتدا زنان خبره درمان‌گر سوزنی را نخ کرده و ته آن را بر پیشانی فرد می‌گذاشتند. بعد سر نخ‌ها را از پشت سر با هم اندازه می‌کنند تا بلندی و کوتاهی آن را مشخص کنند. بدین ترتیب هر چهار سوی سر بدین شیوه اندازه گرفته می‌شود. هر کدام از نخ‌ها بلندتر باشد، باور دارند سر به همان سمت افتاده، لذا برای درمان باید سر را در جهت عکس آن یک دفعه به پایین کشید درمانگر برای این منظور دستمال چهارگوشی را بر سر بیمار می‌اندازد، بعد دور سر را با دستمال دیگری دو گره می‌زند. آنگاه دوک پشم‌ریسی / تیغ تشی (taši) را در میان گره‌ها قرار داده و پیچ می‌دهد. بدین ترتیب، هم دستمال روی سر بیمار محکم شده و هم از شدت درد کاسته می‌شود. وقتی دوک به اندازه کافی پیچ داده شد روسری را از ناحیه گوشه‌های آویزان شده گرفته و سر را در جهت مخالف افتادگی یک دفعه به پایین می‌کشد.

- همچنین در روستای کوپر علاوه بر موارد گفته‌شده، مقداری گوشت را در قابلمه بدون آب ریخته و روی آتش قرار می‌دهند با سوختن گوشت‌ها فرد مبتلا به سر درد باید دود آن را استنشاق کند.

- اما پزشک سنتی روستای گردکشانه برای درمان سردرد داروهای دیگری را توصیه می‌کند. طوری که مالیدن مقدار روغن ریشه زنبق، خوردن جوشانده برگ نارنج تلخ، گوشت قرمز کباب‌شده بر آتش، کله‌پاچه، فندق، و شکستن تخم کدو از ساده‌ترین روش‌های درمان سردرد هستند. همچنین مقداری گل بنفشه را در آب جوشانده، سپس بیمار باید همه محتویات آن را بخورد. یا می‌توان نیم‌قاشق

غذاخوری روغن بادام تلخ را یک ساعت و یک شب قبل از غذا به همراه یک استکان آب ولرم میل کرد.

– در صورتی که سردرد با گرفتگی عضلات ناحیه گردن شروع شده و به شقیقه‌ها و پیشانی پیشروی کند، یک پیاله زنجبیل هندی را با روغن شتر ترکیب کرده سپس به هر ناحیه‌ای که شروع اولیه درد از آنجا بوده شب هنگام می‌مالند موجب التیام سردرد خواهد شد.

دندان درد داغ گذاشتن دندان با شیشه یا کشیدن آن با گاز (کلبتین) در حالت‌های خیلی شدید درد از معمول‌ترین شیوه‌های درمان در مناطق حوزه پژوهش در ایام قدیم بود. همچنین قرار دادن یک یا دو دانه میخک بر دندان معیوب از دیگر روش‌های درمانی است.

با وجود این در روستای گردکشانه ۲۰۰ گرم از گیاه دمیر تیکانی (damir tikâni) را کوبیده با نیم‌پیاله نمک دریا و دو کاسه آب می‌جوشانند. داروی فوق باید آن قدر بجوشد تا سه استکان بماند. بعد فرد باید آن را غرغره کند.

در روستای کله‌سپیان مقداری از پوست درختچه‌ای به نام تیرو (tiru) را کنده و روی دندان معیوب قرار می‌دادند در صورت بهبودی نیافتن با این روش، دندان را با تکه‌ای شیشه گرم شده داغ می‌زدند. قرار دادن مقداری لپه یا نمک روی دندان یا غرغره کردن با آب جاتر (کاکوتی) جوشانده شده در روستای کولبج از جمله روش‌های درمانی در ایام گذشته بود. مضافاً برخی از افراد مقداری ادرار گوساله نر را آنقدر می‌جوشانند تا مایع غلیظی بر جای بماند، سپس آن را روی دندان می‌مالیدند.

یکی دیگر از درمان‌های معمول در روستاهای سوغانلو، قلعه‌تراش، کولبج، و شهرستین استفاده از بذر گیاهی به نام غربانگ^۱ است. برای این منظور آتشی روشن کرده، سپس کاسه آبی را در کنار آن قرار می‌دهند. بعد مقداری از بذرهای این گیاه را روی خاکستر آتش ریخته و می‌سوزانند. فرد باید دستمالی را بر سر خود انداخته، سپس دهان باز خود را و در معرض دود آن قرار دهد، در نتیجه کرم‌های دندان در آب کاسه خواهند افتاد. همچنین در روستای سوغانلو قرار دادن مقدای شو (sâv) / زاج سفید روی دندان از دیگر روش‌های درمانی است.

گوش درد یکی از معمول‌ترین روش‌های درمانی گوش درد کودکان در همه مناطق حوزه پژوهش دمیدن دود سیگار به داخل گوش بود. همچنین در کله‌سپیان و قلعه‌تراش یک برگ از کاغذ سیگار را پیچ داده، سپس داخل گوش کودک قرار می‌دادند. در گردکشانه مقدای از گل همیشه‌بهار را تر یا خشک کوبیده و آبش را در گوش می‌ریختند البته برگ‌های گیاه خشک شده این گیاه را جوشانده پس از عبور دادن از صافی داخل گوش می‌ریختند. یا مقداری میخک را به همراه زیره سیاه کرمانی (دود به یک) با هم ترکیب و می‌جوشانند بعد آبش را پس از عبور دادن از صافی در گوش می‌ریزند. در پیرانشهر نیز زرده تخم‌مرغ را گرم کرده و روی گوش قرار می‌دادند. یا در کله‌سپیان به جای کاغذ سیگار از کاغذهایی که قندهای عراقی را بین آن می‌گذاشتند، استفاده می‌کردند. اهالی روستای کولبج مضاف بر دمیدن دود در

۱. این گیاه را در روستای کوپر گیاباند (giyâ band) می‌نامیدند.

گوش در برخی موارد مقداری کشک از همسایه گرفته، بعد آن را به سیاهی (دوده) زیر دیگ می‌کشیدند، سپس کشک آغشته به دوده را روی گوش قرار می‌دادند. یا در روستاهای سوغانلو و کوپر مقداری روغن را داخل پوست بیرونی پیاز ولرم کرده سپس در گوش کودک می‌ریختند. همچنین در شهرستین خرما یا کشمش را کوبیده و پشت گوش قرار می‌دادند.

سرماخوردگی برای درمان سرماخوردگی در روستای کله‌سیپان نوشیدن شیر گاو یا تهیه غذایی با بروش (barovs) (نوعی گندم قرمز باریک اندام) و فلفل از جمله روش‌های معمول درمان سرماخوردگی بود. - در روستای کولیچ مستی از گیاهان وحشی همچون پنگ (peng)، پونه، جاتره، و کاکوتی را جوشانده و می‌خوردند. در قلعه‌تراش نیز، یا دم‌کرده زنجبیل و دارچین می‌خوردند یا غذای به نام شیلک (šilaka) تهیه کرده و می‌خوردند. این غذا معمولاً از ترکیب فلفل تلخ، کاکوتی، برنج، نمک و روغن به مقدار کم تهیه می‌شود.

- در سوغانلو نیز علاوه بر نوشیدن چای دارچین یا چای با فلفل از غذای حلیم آب هم استفاده می‌کنند. برای تهیه این غذا مقداری برنج را به همراه فلفل و کمی روغن در آب پخته و کته می‌کنند.

بیرون (biru) نوعی زخم پوستی قارچی است که ابتدا سرخ شده و به مرور ایجاد خارش می‌کند. در نتیجه خاراندن، محل مزبور ترک برداشته و خون‌آبه‌ای از آن تراوش می‌کند که نهایتاً تبدیل به زخم می‌شود. - در گردکشانه برای درمان آن مقداری زاج سفید را کوبیده با جوهر لیمو و کمی سرمه و حنا ترکیب می‌کردند و بعد با افزودن مقداری گریس به شکل پماد در آورده سپس روی زخم می‌مالند.

- برای درمان آن در کله‌سیپان به دو شیوه عمل می‌شد. با این مهم که بیرو را در این روستا به دو نوع تر و خشک تقسیم می‌کنند. بیروی تر را با مالیدن ترکیب مقداری حنا و مغز گلوان (gelvân) (میوه درختی) روی آن معالجه می‌کنند. اما برای بیروی خشک مقداری وازلین روی آن می‌مالند. اما در سوغانلو مقداری از گیاهی به همین نام بیرو را در هاونگ کوبیده آبش را می‌گیرند. سپس آب آن را از صافی عبور داده و با پنبه یا چوب‌کبریت روی زخم می‌مالیدند. گفتنی است که استفاده از دستکش موقع مصرف آب گیاه بیرو الزامی است چرا که سوزاننده است. اما در قلعه‌تراش تکه‌ای از شاخه درخت گز را سوزانده روغن تراوش شده از ته شاخه را با حنا ترکیب و روی بیرو می‌مالند.

با اوصافی که گذشت اهالی روستای کوپر در صورت مشاهده بیرو در بدن خود دست، صورت یا سر پیش سیدی به نام ملامحمد در خود روستا می‌رفتند. وی مقداری حنا را در کف دست خود گرفته و با آب دهانش آن را به شکل خمیر درآورده، سپس روی بیرو می‌مالید.

زگیل برای درمان زگیل / بالوک (bâluka) در حوزه پژوهش شیوه‌های درمانی زیر را به کار می‌بردند: - در شهر بیرانشهر مقداری روغن مار روی زگیل می‌مالند. - در گردکشانه دو نوع درمان برای از بین بردن زگیل گفته شد. - مقداری زنبق را با فضل گنجشک ترکیب کرده و بیست دقیقه روی زگیل قرار می‌دهند. - ابتدا مقداری زاج را با نمک دریا می‌کوبیدند. سپس روی زگیل را زخم کرده و داروی فوق را روی آن مالیدند. بعد کمی هم سرمه می‌کشند.

اما آنچه بیش از همه در حوزه پژوهش در خصوص درمان زگیل گفته شد این بود که اهالی اغلب به قبرستان‌ها رفته و شاخه‌های درختی به نام تیرو (teru)، که در برخی از نقاط داربالوک (dare bâluka) نامیده می‌شود، را پیچ می‌دهند سپس هنگام مراجعت بدون اینکه به پشت سر خود نگاهی بیندازند از محل دور شده و به منزل باز می‌گردند باور دارند با پوسیدن شاخه‌های پیچ‌داده شده زگیل نیز پوسیده شده و خودبه‌خود خواهد افتاد.

– مضاف بر مورد یادشده در روستای کله‌سیپان حشره‌ای به نام آلی پلینگ را له کرده و آبش را روی زگیل می‌زنند. یا در کولیج زگیل را از ریشه می‌سوزانند. همچنین اهالی قلعه‌تراش و شهرستین به دعانویس مراجعه کرده و وی دعای زگیل را بر هفت دانه جو و هفت دانه نمک می‌خواند. سپس از فرد مبتلا به زگیل می‌خواست آن‌ها را در زیر خاک چال کند. بنا به اعتقادات مردم محل و سفارش دعانویس با پوسیده شدن جوها زگیل نیز پوسیده و از بین خواهد رفت.

زردی سابقاً برای درمان این بیماری که در اصطلاح محلی زردویی گفته می‌شود شیوه زیر به کار برده می‌شد. با این مهم که امروزه این نوع درمان‌های سنتی کنار گذاشته شده و افراد مبتلا به زردی به پزشکان و طبیبان عمومی مراجعه می‌کنند. با این حال به غیر از روستای گردکشانه که درمانی برای این بیماری عنوان نشد در دیگر مناطق بررسی شده معمول‌ترین درمان نگاه کردن فرد بیمار به ماهی درون کاسه آب بود. به این باور که زردی به چشمان ماهی منتقل شده و بدین ترتیب ماهی در دم جان می‌سپارد. مضافاً در روستاهای قلعه‌تراش و کله‌سیپان فرد مبتلا به زردی چند عدد از ماهی‌های کوچک جویباری را زنده زنده می‌بلعید.

همچنین به غیر پیرانشهر و شهرستین و کله‌سیپان در سایر مناطق بررسی شده مهره زردرنگی به نام زردویی بر گردن بیمار می‌آویختند.

سرخک و یا سورژ (sureza) از بیماری‌های پوستی است که هر فردی در طول عمر خود یک بار به آن مبتلا می‌شود. این بیماری علائمی چون سردرد، تب و لرز، سنگینی پلک چشم‌ها دارد. که مدت بهبودی آن از زمان شروع علائم نه روز به طول می‌انجامد. طوری که در سه روز اول بیماری بدن شروع به خارش می‌کند. در سه روز دوم بثورات^۱ کوچک سرخ رنگی از بدن بیمار خصوصاً ناحیه سینه بیرون می‌زند که حاوی چرک‌اند.

در سه روز آخر بثورات آرام‌آرام پوست انداخته و از بین می‌روند. استراحت در مکانی گرم و خوردن شیرینی‌جات از جمله درمان‌های این بیماری بود. با وجود این امروزه اگر فردی مبتلا به سرخک شود از درمان‌های سنتی حکیمان قدیم خبری نبوده و او را، نزد پزشکان شهری می‌برند.

کله شاخ (kala sax) **حجامت کردن** ساکنان مناطق حوزه پژوهش حدود ده الی بیست سال پیش برای درمان بیماری‌هایی از قبیل بادسرخ، چشم‌درد، و بیرون کشیدن خون به اصطلاح پیس (pis)، کثیف،

۱. بثورات سرخک را در زبان محلی زیپک (zipka) می‌نامند.

حجامت می‌کردند. این کار را معمولاً مردان یا زنان خبره انجام می‌دارند و معمول‌ترین فصل انجام آن زمستان و یا بهار بود. با این مهم که در روستای کوپر (کله شاخ) را در روزهای چهارشنبه می‌زدند. گفتنی است که محل حجامت روی بدن اغلب مابین دو کتف پشت کمر یا پیشانی بود. برای انجام این عمل ابتدا محل مورد نظر را با شاخ توخالی گاو مکیده و خون را به سطح بدن می‌رساندند، سپس با تیغ چند برش نزدیک هم و عمودی روی بدن ایجاد کرده و با مکیدن مجدد محل کله شاخ خون را به بیرون می‌آوردند. در روستای کوپر برای التیام جای تیغ‌ها مقداری حنا می‌مالیدند.

جراحات برای درمان جراحات در روستای گردکشانه مقداری روغن زنبق سیاه روی عضو مالیده می‌شد. و یا مقداری هن ز رود (han za rud) را کوبیده و روی محل پاشیدند.

کوفتگی برای درمان کوفتگی در حوزه پژوهش به ترتیب زیر عمل می‌شد.
 - در شهر پیرانشهر، روستاهای کولیج و کوپر در صورتی که عضوی از بدن فردی مخصوصاً مچ و دست‌ها حالت کوفتگی (جامام در اصطلاح محلی) پیدا می‌کرد. برای التیام درد آن مقداری از خاکستر گرم تنور را در پارچه‌ای گذاشته و به دور مچ دست می‌بستند. مضافاً در شهر پیرانشهر و روستاهای سوغانلو، قلعه‌تراش نیز مقداری تفاله‌گرم چای تیلت (tilta)، را برای درمان کوفتگی به کار می‌بردند.
 - بستن برگ‌ها گیاه مکوک / شیرین‌بیان کوبیده‌شده روی کوفتگی در پیرانشهر و روستاهای کله‌سیپان، کولیج، سوغانلو، قلعه‌تراش و کوپر از دیگر شیوه‌های معمول درمان است با این مهم که در روستای قلعه‌تراش برگ‌های این گیاه را با ریشه جوشانده پس از اینکه قوام آمد به شکل ضماد استفاده می‌کنند.

- در روستای کولیج نیز مقداری یونجه کوبیده و روی عضو قرار می‌دادند یا در سوغانلو مقداری آرد گندم را با کمی آب و روغن ترکیب کرده، پس از اینکه آن را گرم کردند دور مچ دست می‌بستند. یا در روستای گردکشانه مقداری کتیرا گرم کرده، پس از اینکه نرم شد وی عضو می‌بندند.

دررفتگی‌ها

دررفتگی شانه بنا به اظهارات شکسته‌بند محلی به دو شکل ایجاد می‌شود. طوری که برای جا انداختن نوع ساده آن، شکسته‌بند کف یک دست خود را روی محل دررفته گذاشته و با دست دیگر خود، دست مصدوم را گرفته، به آرامی به سمت بالا حرکت داده و یک فشار آنی نیز به آن وارد می‌کند.
 - در دررفتگی نوع دیگر که شانه به پایین حرکت می‌کند. شکسته‌بند پارچه‌ای را به شکل گویی به نام گلول (gulul) در آورده و زیر بغل فرد مصدوم قرار می‌دهد. بعد دست وی را به پایین فشار می‌دهد. این در حالی است که پارچه گلوله‌شده را با دست دیگر خود محکم نگه داشته و همزمان آن را به بالا می‌راند.

دررفتگی آرنج برای درمان این دررفتگی شکسته‌بند انگشت شست خود را مابین آرنج گذاشته و با دست دیگر ساعد مصدوم را به سمت بالا و روی باز و خم می‌کند.

دررفتگی مچ دست برای جا انداختن مچ دست ابتدا پارچه‌ای را دور مچ دست پیچیده سپس تخته‌ای ضخیم روی مچ گذاشته می‌شود. بعد شکسته‌بند دستمالی را دور مچ قرار داده و یک گره به آن می‌زند. در این موقع تکه مفتول فلزی را زیر گره قرار داده و آرام آرام پیچ می‌دهد، تا استخوان‌های دررفته مچ در جای اول خود قرار گیرند.

توبی ران برای این منظور فرد مصدوم به شکم روی زمین دراز می‌کشد. شکسته‌بند توبی ران را با لمس کردن پیدا کرده و با فشار دو انگشت شست آن را به داخل فشار می‌دهد.

کشکک زانو معمولاً کشکک به سمت جلو یا راست یا چپ جابه‌جا می‌شود. اگر دررفتگی به چپ و راست باشد شکسته‌بند زیر زانوی مصدوم پارچه گلوله شده‌ای گذاشته و زانو را به داخل پشت تا می‌کند. این در حالی است که پای خود را نیز روی پای دیگر مصدوم قرار داده، سپس پارچه گلوله‌شده را از زانوی مصدوم بیرون می‌کشد. با اتمام این مراحل تخته‌ای را کنار زانو قرار داده، بعد با دستمالی آن را گره زده و محکم می‌کند. در این موقع مفتول فلزی را زیر گره دستمال گذاشته و آن را آرام آرام پیچ می‌دهد.

استخوان‌های صورت یا ابتدا شکسته‌بند از مصدوم می‌خواهد پای خود را عمود بر تخته‌ای به اندازه پای انسان، که بخش میانی آن مقعر است، قرار دهد آن‌گاه شکسته‌بند بیمار را محکم گرفته و کف پای خود را روی پای در رفته وی قرار داده و می‌فشارد.

فرورفتگی دنده‌ها در صورت بروز چنین حوادثی بنا به دستور شکسته‌بند بیمار به پشت خوابیده و کوزه یا تُنگی را به دهان گذاشته و در آن می‌دمد. شکسته‌بند پوست قسمت فرو رفته را با دست گرفته و به بیرون و بالا می‌کشد. سپس مقداری چسب پارچه‌ای طبی روی قسمت صدمه‌دیده چسبانده و حدود یک هفته می‌ماند.

جا انداختن دنبالچه کر رن جه (rerenga) اگر دنبالچه فردی به بیرون دررفته باشد شکسته‌بند با توجه به مهارت خود با فشار دو انگشت شست دست همان قسمت را به آرامی می‌فشارد. اما اگر دررفتگی به پایین و داخل باشد، بدون اینکه شکسته‌بند انگشت در معقد کند، از قسمت بیرون و ته دنبالچه را گرفته و آن را به بالا می‌کشد.

جا انداختن ستون فقرات اگر چه این بخش از بدن به لحاظ وجود نخاع حساس‌تر است در صورتی که شکسته‌بند محلی توان جا انداختن مهره‌های ستون فقرات را داشته باشد بدین گونه عمل می‌کند. ضمن اینکه مهره در رفته را با فشار انگشتان خود آرام آرام پایین می‌راند از کناره‌ها نیز فشار وارد می‌کند.

جا انداختن قوزک پا برای این منظور ابتدا پارچه نسبتاً ضخیمی روی پا پهن می‌کند. بعد دستمالی را به پاشنه پا و روی قوزک بسته و گره می‌زند. این عمل در حالی صورت می‌گیرد که پای مصدوم به سمت داخل و روی زمین خوابانده شده باشد. سپس گره دستمال را با مفتول فلزی آرام آرام پیچ می‌دهد تا قوزک در محل اصلی و اولیه خود قرار گیرد.

- در همه دررفتگی‌ها در صورتی که از زمان عضو در رفته چندین روز یا هفته گذشته باشد، چون محل را خون گرفته و کمی سفت شده است برای نرم کردن آن برای جا انداختن مقداری خرمای هسته گرفته را با دنبه گوسفند ترکیب کرده و خوب می‌کوبند. بعد این مرهم را یکی دو روز روی عضو دررفته می‌بندند.

شکستگی‌ها

شکستگی‌ها اغلب بسته یا باز اتفاق می‌افتد. در صورت بروز حادثه از نوع اول استخوان شکسته‌شده در داخل گوشت بدن می‌ماند. در حالی که در شکستگی نوع دوم استخوان گوشت بدن را پاره کرده و بیرون می‌زند. در چنین مواقعی محل زخم شده بسته نمی‌شود.

معمول‌ترین مرهم برای التیام هرچه زودتر عضو شکسته‌شده ترکیب زرده تخم‌مرغ و روناس است. طوری که این دو ماده غیرگیاهی و گیاهی را خوب با هم ترکیب کرده و روی پارچه متقالی خام یا آب‌نדיده می‌کشند، بعد محل شکسته را با آن می‌بندند.

معمولاً برای درمان شکستگی‌ها پس از اینکه شکسته‌بند با توجه به سوابق تجربی خود قطعات و تکه استخوان‌های شکسته‌شده را با لمس کردن در جای اصلی قرار می‌دهد. آن گاه دور محل شکستگی را با مرهمی که از آن یاد شد بسته و برای ثابت نگه‌داشتن عضو دور تا دور آن را کارتن^۱ قرار داده و با پارچه می‌بندد.

با توجه به نوع شکستگی‌ها التیام عضو معمولاً در جوانان حدود یک الی دو هفته و در مورد افراد میانسال و پیر حدود بیست روز به طول می‌انجامد. خارش و تورم عضو نشانه جوش خوردن استخوان‌ها و بهبودی است همچنین در صورت بهبودی رنگ عضو به سوی سفیدی و رنگ طبیعی پوست گرایش پیدا می‌کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. در سال‌های پیش به جای استفاده از کارتن از تخته‌های باریکی به عرض ۲ تا ۳ سانتی‌متر استفاده می‌شد. این تخته‌ها را معمولاً در چهارسوی عضو قرار می‌دادند.